

سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب؛ اهمیت و مشخصات

○ پرویز عادل



«تاریخ‌نگاری» هر «مورخ» بستگی به «تاریخ‌نگاری» او دارد یعنی در تاریخ‌نگاری هر مورخ، افکار و ایده‌های او را که حاصل تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری اوست می‌توان مشاهده کرد. مقوله‌ای که موضوع مقاله حاضر است.

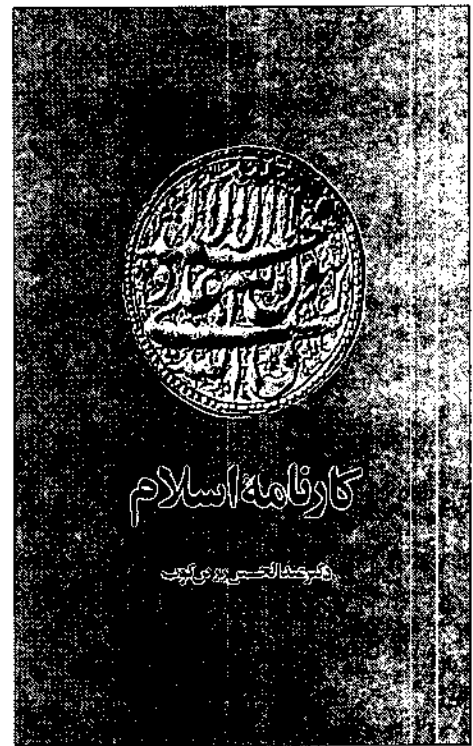
نقش و اهمیت دکتر زرین کوب در تاریخ‌نگاری معاصر ایران قبل از وارد شدن به بحث اصلی خاطر نشان می‌گردد که این نوشتار صرفاً مروری است بر دیدگاه‌های تاریخی دکتر زرین کوب، لذا جنبه‌های دیگر آثار آن زنده‌یاد همچون: «سبک ادبی دکتر زرین کوب» و «الهیات در آثار دکتر زرین کوب» و مقولاتی چون عرفان، تصوف، شعر، ادبیات و نظایر آن در اندیشه و آثار دکتر زرین کوب مورد نظر نمی‌باشد. همچنین شایان تأکید است که در این نوشتار، هدف صریحاً شناخت تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب است، زیرا تجلیل و قدرشناسی و قدردانی از او در زمان حیاتش نیز به عمل آمد و دانشمندان و فرهیختگان این مرز و بوم با تقدیم ارمغانی برای زرین کوب و همچنین یادگارنامه دکتر زرین کوب زحمات و خدمات آن زنده‌یاد را پاس داشته و بدینگونه به جایگاه علمی آن مرحوم ارج نهاده‌اند.

تاریخ‌نگاری که همانند خود تاریخ با فراز و نشیب‌های بسیار همراه بوده به صورت‌های مختلف، فرمایشی، سلطنتی، سلسله‌ای و نظایر آن بروز نموده، موضوعات گوناگونی را تحت پوشش خود قرار داده و با بیان گذشته، آینده‌های نیک را نشان کرده است تا ویژگی «عبرت‌انگیزی» تاریخ را ظاهر نماید. ولی تاریخ‌نگاری ایران همیشه و شاید در همه حال، حالتی یکنواخت و یک شکل داشته و با همین حالت تکراری، دچار نوساناتی شده است. این حالت یکنواخت تاریخ‌نگاری که شکلی «نقلی» (Synthetic) داشته و تا دوران معاصر نیز تداوم یافته است.

در دوران معاصر به دلیل تأثیر تاریخ‌نگاری پیشرفته اروپاییان، تاریخ‌نگاری ایران نیز به تحرک درآمده خود را، از آن حالت یکنواخت و همیشگی بیرون آورد و به صورت «تحلیلی» (Analytical) ظاهر نمود و البته در این مسیر پر پیچ و خم «مردان تاریخ ساز» و نقش تاریخی آنان اهمیت وافری داشته و دارند، مردانی که قهرمان وار در عرصه تاریخ‌نگاری حرف‌هایی نو زدند و از این طریق خدماتی شایان به این سرزمین نمودند. یکی از این چهره‌های علم و ادب که همانند ستاره پرفروغی در آسمان تاریخ‌نگاری خوش درخشید، کسی است که تاریخ را به ترازو کشید و تاریخ مردم ایران را نوشت، کارنامه‌ای برای اسلام صادر نمود، تا هرچه بیشتر نقاط تاریک تاریخ این مرزوبوم را روشن‌تر نموده و تاریخی مردمی‌تر، عرضه نماید. آن شخص کسی نیست جز دکتر عبدالحمین زرین کوب که در عرصه‌های مختلف ادبیات، تاریخ، عرفان، تصوف... محقق تمام عیار بود، لیکن در این مجال فقط

هنری و ادبی آینه تمام نمای وقایع یک جامعه بدانیم، به ارزش‌های نهانی آن پی خواهیم برد و البته این امر به نوبه خود دشواری و سختی این فن را نیز می‌رساند که در قرون اخیر این دشواری به دلیل گستردگی و پیچیدگی آن، دو چندان شده است. این گستردگی و پیچیدگی نیز باعث قاعده‌بندی تاریخ‌نگاری گردیده و موجبات ظهور مکاتب تاریخ‌نگاری مختلفی را فراهم آورده است. بدینگونه بود که عدالت، تسامح و بی‌غرضی، ذوق و سلیقه از ویژگی‌های اولیه تاریخ‌نگاری گردید چون اخلاقیات نیز وارد قلمرو تاریخ‌نگاری شد. مطلبی که در این بین فرایاد می‌آید این که

مقدمه:
مقوله تاریخ و تاریخ‌نگاری که اهمیت اجتناب‌ناپذیری در زندگی اجتماعی مردم دارد از دیرباز مورد توجه عامه و خاصه بوده است بدان علت تاریخ‌نگاری عمری به درازای خود تاریخ دارد، حتی در میان اقوام باستانی نیز به تاریخ‌نگاری (در قالب کتیبه‌ها، الواح و...) بر می‌خوریم که نشانگر صحنه‌ها و لحظات حساس تاریخی می‌باشند و ما را به توجه هرچه بیشتر به شناخت مفهوم «زمان» رهنمون می‌نمایند که در تاریخ‌نگاری نقش اساسی دارد. اگر «تاریخ‌نگاری» را به دلیل جامعیت و دربرداشتن ابعاد همه جانبه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی،



دکتر زین کوب را می توان «مورخی صاحب سبک» دانست چون وی با تلفیق متون تاریخی و ادبی، معجونی گوارا مهیا نموده، تاریخ نگاری را حالتی خاص بخشید و بدین ترتیب نقطه عطفی در تاریخ نگاری ایجاد کرد. تاریخی گری و تاریخ نگاری را از عرصه تاریخ، سیاست و جامعه شناسی بیرون آورد و وارد حیطه «ادبیات و نقد ادبی» گردانید، طوری که این مهم را می توان «روندی نو» در تاریخ نگاری ایران قلمداد نمود.

جنبه تاریخی آثار او مورد بررسی قرار می گیرد. او را می توان «مورخی صاحب سبک» دانست چون وی با تلفیق متون تاریخی و ادبی، معجونی گوارا مهیا نموده تاریخ نگاری را حالتی خاص بخشید و بدین ترتیب نقطه عطفی در تاریخ نگاری ایجاد کرد، تاریخی گری و تاریخ نگاری را از عرصه تاریخ، سیاست و جامعه شناسی بیرون آورد و وارد حیطه «ادبیات و نقد ادبی» گردانید، طوری که این مهم را می توان «روندی نو» در تاریخ نگاری ایران قلمداد نمود.

روش دکتر زین کوب که برای اولین بار به صورتی مدون در تحقیقات تاریخی به کار رفت او را به حدّ اعلای تاریخ نگاری ارتقاء داد. پس بدان علت که او شیوه ای نو در تاریخ نگاری ایجاد نمود، می توان از او به عنوان بنیانگذار مکتبی خاص نام برد، مکتبی که احتمالاً در آینده به اهتمام و تلاش دانشمندان و پژوهشگران والا مقام، به «سبک دکتر زین کوب» معروف خواهد گشت. دلیل این مدعا آن که او تاریخ صرف را با تاریخ ادبیات درآمیخت، از این جهت وجهه ای خاص به تاریخ داد.

این بحث را که در بخش بعدی بیشتر بسط خواهیم داد با سوالاتی ادامه می دهیم: اگر دکتر زین کوب، صاحب سبک و بنیانگذار مکتبی خاص می باشد آیا با معیارهای تاریخ نگاری جهان و مکاتب تاریخ نگاری معروف نیز همخوانی داشته است؟ و همچنین، سبک تاریخ نگاری دکتر زین کوب در برخورد با همگامی با مکاتب تاریخ نگاری معروف جهان چه جایگاهی را می تواند حائز گردد؟

در پاسخ سوالات فوق و سنجیدن جایگاه علمی تاریخ نگاری دکتر زین کوب در اینجا ما به مقایسه این نوع تاریخ نگاری با مکاتب تاریخ نگاری جهان می پردازیم و این کار را با مکتب «پوزیتویسم» آغاز می کنیم. در این مورد باید گفت تاریخ نگاری دکتر زین کوب با «مکتب پوزیتویسم» (Positivism) از جهتی مطابقت دارد و از جهتی خیر. تکیه مکتب یاد شده بر جنبه اثباتی و استنادی بودن تاریخ است که در آثار دکتر زین کوب نیز دیده می شود، پس از این لحاظ آن دو با هم مطابقت دارند ولی از آنجایی که دکتر زین کوب در برخی موارد، در ارائه اخبار تاریخی به منبع یا مآخذی استناد نمی کند، این مسئله را می توان فصل جدایی آنها دانست.

در مقایسه با «مکتب رانکه» نیز باید گفت، سبک تاریخ نگاری دکتر زین کوب با «مکتب رانکه» (Ranke) که در تاریخ نگاری آلمان تحولی ایجاد نمود، سختی ندارد، البته این مکتب آلمانی نیز که خود از سوی مورخین بزرگ مورد سوال و اشکال قرار گرفته صرفاً به وقایع رخ داده تاریخی معتقد است و به اسطوره و افسانه بهایی نمی دهد، در حالی که، دکتر زین کوب به اسطوره و افسانه معتقد بوده، و نقش و اهمیت زیادی به آن قائل بود. بنابراین، در مقایسه، باتوجه به متزلزل بودن جایگاه مکتب رانکه، می توان سبک دکتر زین کوب را معتبر دانست. و اما تاریخ نگاری دکتر زین کوب در مقایسه با «مکتب آنال» (Annales) که بهترین نوع

تاریخ نگاری فرانسه و جهان می باشد. در این مقایسه باید گفت که آن دو مطابقتی نسبی دارند چون مکتب آنال، تاریخ را با علوم دیگر مانند روانشناسی، اقتصاد و جامعه شناسی مرتبط می داند، دکتر زین کوب نیز در سبک خود از این ویژگی برخوردار است اما در عمق قضایا و تحلیل پدیده های تاریخی هر چند تاریخ را با جامعه شناسی، مردم شناسی، ادبیات، سیاست و مقولاتی از این دست مرتبط می داند اما وارد حوزه های روانشناسی و اقتصاد نمی شود، بنابراین در اینجا نیز با تشابه و تطبیقی نسبی مواجه هستیم، به این ترتیب در جمع بندی مطالب فوق می توان گفت، سبک تاریخ نگاری دکتر زین کوب در قیاس با مکاتب تاریخ نگاری یاد شده، نسبتاً تطابق و همگامی دارد.

مشخصات عمده تاریخ نگاری دکتر زین کوب
از آنجایی که هر مکتب و سبکی برای خود مشخصات، علایم یا ویژگی هایی دارد، دکتر زین کوب و سبک تاریخ نگاری او نیز از مشخصات ویژه ای برخوردار است، که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) اجمالی بودن: با نگاهی به آثار دکتر زین کوب متوجه می شویم که آثار او در قالب کلیات یا عمومی نوشته شده است و در عین حال آثاری اجمالی می باشند نه تفصیلی. البته این کلی نگری و گزیده گویی به نوبه خود هنری است که در کمتر کسی می توان سراغ گرفت. کتاب های تاریخ مردم ایران (ج ۱ و ۲) و تاریخ ایران بعد از اسلام چنین صورتی دارند و در این مورد باید گفت:

این روش از نظر علمی عایش پژوهشگر و یا خواننده حرفه ای تاریخ را رفع نمی نماید چون تاریخ، علمی جزئی است و لازم است به جزئیات مباحث آن بیشتر و بیشتر پرداخته شود.

۲) دوران باستان و میانی، قلمرو تحقیق دکتر زین کوب: اگر جلد سوم وزگاران (روزگاران دیگر: از صفویه تا عصر حاضر) را مستثنی بدانیم، تمام آثار تاریخی دکتر زین کوب مربوط به دوران باستان و دوران میانی تاریخ ایران می شود.

۳) تشر سلیس و روان: شاید این ویژگی مهم ترین خصوصیت تاریخ نگاری دکتر زین کوب باشد، چون با این هنر است که او به فراز و نشیب های تاریخی معنا داده، خواننده را با خود همراه می نماید، به طوری که هیچگونه ملالی به خواننده دست نمی دهد به جرأت می توان گفت این هنر دکتر زین کوب بر تعداد خوانندگان آثار تاریخی افزوده است و بدین لحاظ او حق بزرگی به گردن تاریخ و تاریخ نگاری ایران دارد.

۴) انسان دوستی: دکتر زین کوب در آثار خود به اصالت انسان توجه خاصی دارد. مثلاً در کتاب نه شرقی، نه غربی، انسانی واژه «انسانی» که یادآور انسان محوری عصر رنسانس (انومانیزم: Humanism) می باشد، به نقش والا و سازنده انسان در عرصه اجتماع اشاره دارد. با این توضیح، آیا می توان دکتر زین کوب و سبک تاریخ نگاری او را از نوع رنسانسی دانست؟ در جواب این سؤال باید



در چاپ‌های بعدی اثر منتفی گشته ادعای آن افراد نیز بی‌اساس می‌نماید.

(۱۰) برخورداری از تفکری انتقادی و دیدگاهی فلسفی: این ویژگی یکی از نقاط قوت تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب می‌باشد که او را در تجزیه و تحلیل قضایا و پدیده‌های تاریخی یاری نموده است. همانا این امر بود که آن زنده یاد را به یک نتیجه‌گیری منطقی و مفید رهنمون می‌کرد تا «تأویلی صحیح» ارائه نماید. این اصل را که با دیدگاه هرمنوتیک (Hermeneutic) سنتز دارد به وضوح تمام در کتاب تاریخ در ترازو می‌توان دید، به طوری که این اثر را می‌توان «فلسفه تاریخ دکتر زرین کوب» نامید.

(۱۱) تلفیق تاریخ با علوم دیگر: تلفیق تاریخ با حوزه‌های دیگر دانش مانند جامعه‌شناسی، سیاست، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و... که ره‌آورد مکتب آنال فرانسه می‌باشد در آثار دکتر زرین کوب نیز جایگاه ویژه‌ای را حائز گشته است، زیرا آن زنده‌یاد نیز تاریخ را با ادبیات، سیاست، جامعه‌شناسی، مذهب و... مرتبط و مختلط می‌دانست. این ویژگی که جامعیت تفکر تاریخی را می‌رساند دکتر زرین کوب را به قله رفیع علم و ادب کشانده و از او «مورخ صاحب سبک» ساخته است. بنابراین شاید بتوان گفت دکتر زرین کوب «مورخ» از نوع «آنالیتیک (Analytic)» می‌باشد چون به «تاریخ ترکیبی یا تحلیلی» روی آورده است.

(۱۲) توجه به اخلاقیات: در تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب به «اخلاقیات» توجهی خاص می‌توان یافت. زیرا استاد همیشه و در همه آثار خود به نحوی اعلام می‌دارد که تاریخ‌نگاری باید به دور از هر تصبیبی بوده و «تسامح و تساهل» را مدنظر قرار دهد. او «انسانیت» و «وجدان پاک» را لازمه تاریخ‌نگاری می‌دانست، بدینگونه بود که علم و اخلاق را به هم پیوند زد و مقوله مهمی را پیش کشید و با این کار در واقع بر خصیصه «رعایت انصاف» از سوی مورخین تأکید نمود. این امر که در کارنامه اسلام، تاریخ در ترازو، نه شرقی، نه غربی، انسانی و سایر آثار زنده‌یاد به وضوح دیده می‌شود دست ردی است بر سینه تاریخ‌نویسان متعصب.

(۱۳) تاریخ‌نگاری مقدس: سخن گفتن از این مقوله تاحدی مشکل و پیچیده است، زیرا آثار دکتر زرین کوب در این باره (کارنامه اسلام، بامداد اسلام) در قالبی کلی یا عمومی نوشته شده‌اند. ولی این آثار به دلیل ارائه مسایل تمدنی و فرهنگی فقط می‌توانند جلوه‌ای از «هازیوگرافی» قلمداد گردند. هرچند که نمونه‌های اعلا‌ی این‌گونه تاریخ‌نگاری نیز حتماً و حتماً باید توسط شخصی همانند دکتر زرین کوب به زیور طبع آراسته گردند، پس می‌توان گفت که هازیوگرافی دکتر زرین کوب در «اسلام‌شناسی» نهفته است و بدان نیز خلاصه می‌گردد.

(۱۴) توپولوژی تاریخی: «توپولوژی (Topology)» به معنای «مکان‌شناسی» در تاریخ و تاریخ‌نگاری جایگاه ویژه‌ای دارد، به ویژه متون جغرافیای تاریخی به این دانش کاملاً وابسته‌اند. این مقوله که برای تداعی معانی کاربردی خاص دارد مورد توجه دکتر زرین کوب نیز بوده و آن را مثلاً

گفت: از آنجایی که مردم به عنوان اجتماع هیچ گاه و یا کمتر در عرصه تاریخ مطرح بوده‌اند و از طرفی چون دکتر زرین کوب به انسان اصالت داده و موقعیت او را در عرصه جامعه بازیابی می‌کند و محور جامعه را به انسان اختصاص می‌دهد پس می‌توان او را مورخی رنسانسی دانست و لااخرم سبک تاریخ‌نگاری او نیز می‌تواند سبکی رنسانسی قلمداد گردد.

(۵) توجه خاص به ادبیات: بهترین و مهم‌ترین ویژگی بارز سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب همین خصوصیت است، به گونه‌ای که از نگاه دکتر زرین کوب، تاریخ بدون ادبیات، پرنده‌ای شکسته پر را می‌ماند که توان پرواز در آسمان تحقیق و تفحص را نداشته و جز حسرت، توشه‌ای ندارد، بنابراین برای جان گرفتن و پرواز این شکسته پره باید ادبیات به کار آید.

بدین جهت، ادبیات در تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب جایگاه ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، پیرامون اهمیت ادبیات در تاریخ‌نگاری باید به این امر توجه کرد که گاهی تاریخ‌نگاری در طول تاریخ «فرمایشی» بوده است پس می‌توانسته حقایق و وقایعی از قلم مورخین فرمایشی افتاده باشد، در این میان شعرای واقع‌بین و ظریف می‌توانستند در لابلای اشعار خود به اوضاع اجتماعی اشاره کنند و نقص فنی مورخین را برطرف نمایند، البته عکس این سخن نیز بعضاً صدق می‌کند. در این بین وظیفه ما چیست؟ در کوتاه‌ترین جواب باید بگوییم که تلفیق تاریخ و ادبیات و سپس نتیجه‌گیری منطقی از آن، بهترین راه علمی در این مورد است، یعنی همان کاری که دکتر زرین کوب در آثار خود انجام داده است.

(۶) توجه به اساطیر: مرحوم زرین کوب که اسطوره را آمیخته در تاریخ می‌دانست معتقد بود که: «در تاریخ بر باورهای تکیه داریم که باورشان نلاریم.» البته هرچند استاد به جایگاه والای اساطیر در تاریخ باستان معتقد بود و آن را در تاریخ مردم ایران (ج ۱) نمایانده است ولی قبول اساطیر را در تاریخ مشروط و نسبی می‌داند.

(۷) تنوع منابع: «تنوع زبانی منابع» و «تنوع علمی - کیفی منابع» یکی از بزرگترین امتیازات تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب می‌باشد، که استفاده از متن‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عربی، روسی، اوستایی و پهلوی، ایتالیایی، هلندی و حتی زبان‌های دیگر، آثار ایشان را بیش از پیش ارزشمند نموده و جایگاه رفیعی بدان‌ها بخشیده است.

(۸) پرهیز از تاریخ‌نگاری سطحی: «تاریخ‌نویسی با چسب و قیچی» اصطلاحی بود که آن زنده‌یاد برای «مورخ نماها» به کار می‌برد، بدین‌گونه او ضمن بی‌ارزش شمردن اینگونه تاریخ‌نگاری، مورخ و مورخ‌نماها را از امور غیراخلاقی در حیطة علم و ادب بر حذر می‌دارد.

(۹) روحیه آزادگی: منظور از این امر، آزاداندیشی و رهایی از هر قید نژادی، زبانی، مذهبی و نظایر آن است، در این رابطه هر چند برخی به کتاب دو قرن سکوت او انتقاداتی وارد دانسته‌اند ولی این امر نیز با افزوده شدن بخش «اعتراقات»

این نوشتار مروری است بر دیدگاه‌های تاریخی دکتر زرین کوب، لذا جنبه‌های دیگر آثار آن زنده‌یاد، همچون سبک ادبی دکتر زرین کوب و الهیات در آثار دکتر زرین کوب و مقولاتی چون عرفان، تصوف، شعر، ادبیات و نظایر آن در اندیشه و آثار دکتر زرین کوب مورد نظر نمی‌باشد

بدان علت که او شیوه‌ای نو در تاریخ‌نگاری ایجاد نمود می‌توان از او به‌عنوان بنیانگذار مکتبی خاص نام برد

از جمله ویژگی‌هایی که در آثار دکتر زرین کوب می‌توان مشاهده نمود عبارتند از: «جمالی بودن»، «دوران باستان و میانی، قلمرو تحقیق دکتر زرین کوب»، «نثر سلیس و روان»، «انسان دوستی»، «توجه خاص به ادبیات»، «توجه به اساطیر»، «تنوع منابع»، «پرهیز از تاریخ‌نگاری سطحی»، «روحیه آزادگی»، «برخورداری از تفکری انتقادی و دیدگاهی فلسفی»، «تلفیق تاریخ با علوم دیگر»، «توجه به اخلاقیات»، «تاریخ‌نگاری مقدس»، «توپولوژی تاریخی»، «استفاده از اعلام و علائم خاص»، «ارایه گزیده کتابشناسی»، «به روز بودن»، «توجه به منابع مادی»، «اعتقاد به نظریه همدلی دیلتای»



در مقاله آن مرحوم در تاریخ ایران کمبریج (ج ۴) می‌توان دید، یکی از بخش‌های مقاله دکتر زرین کوب در این اثر، «از حیره تا بصره» نام دارد که این عنوان مفهوم توپولوژی تاریخی را تداعی می‌کند با این توضیح که «حیره» نقطه آغازین حمله اعراب به ایران و «بصره» محل وقوع جنگ قادسیه است. پس در این بخش دکتر زرین کوب ضمن اشاره به «مکان تاریخی»، وقایع مربوط به آن «مکان» را مورد بررسی قرار داده و با این بیان خواننده را به عمق قضایای تاریخی رهنمون گشته است. این روش توپولوژی تاریخی همانا نمایشی است ظریف از تاریخ‌نگاری مدرن که به نحوی مفید از سوی دکتر زرین کوب به کار گرفته شده است.

در تاریخ ایران بعد از اسلام و سایر آثار دکتر زرین کوب نیز این مقوله کاملاً به چشم می‌خورد.

۵) استفاده از اعلام و علائم خاص: درباره این بحث، به موردی ویژه برمی‌خوریم و آن فهرست راهنمای منحصر به فردی است که در تاریخ مردم ایران (ج ۲) مورد استفاده قرار گرفته. روش کار دکتر زرین کوب در این فهرست از این قرار است، که در مقابل هر عنوانی، تعریفی از همان عنوان با ذکر صفحه آورده تا خواننده را به مطالعه موردی رهنمون گردد. این شیوه که امر تحقیق را سرعت می‌بخشد کمک بزرگی به خواننده و یا محقق می‌باشد، تا در کمترین زمان به موضوع مورد نظر دسترسی پیدا کند. به عنوان مثال در کتاب مذکور، در مقابل عنوان «آل بویه»، این عنوان مشاهده می‌شود. تشکیل دولت، القابشان، عمادالدوله، رکن‌الدوله، معزالدوله، وضعیت سپاه و وزراء آل بویه، علاقه به آبادانی و شهرسازی

و ابنیه، فاصله طبقاتی و... در این شیوه خواننده امکان جستجو و یافتن مطالب را پیدا می‌کند به گونه‌ای که با انتخاب یک عنوان موضوعی به «داده‌های تاریخی» دسترسی پیدا کند. این ویژگی که نشانگر همگامی دکتر زرین کوب با پیشرفت‌های علمی روز است می‌تواند بسیار مهم و به عنوان الگو مورداستفاده قرار گیرد.

۱۶) ارائه گزیده کتابشناسی: دکتر زرین کوب در برخی مواقع به جای «کتاب‌شناسی»، «گزیده کتابشناسی» ارائه می‌نماید، این امر که به نفس «روش غیرعلمی» محسوب می‌گردد، می‌تواند از طرفی دیگر «روشی اخلاقی» نیز تلقی گردد و شاید این امر به طبع متواضع و فروتن دکتر زرین کوب بر می‌گردد که علاوه بر کتب مورد استناد، خواننده را به منابع دیگری نیز که در آن حیطه موضوعی وجود دارد، ارجاع می‌دهد. شاید هم با این عمل، تحقیق و تألیف خود را «تاکامل» معرفی کرده و جای تحقیقات بعدی را در این باره باز می‌گذارد. علی‌ایحال، این مسأله که در بامداد اسلام دیده می‌شود می‌تواند از نگاه علمی تاریخ، ایراداتی را بر تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب وارد آورد.

۱۷) به روز بودن: یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب، روش علمی به روز و به هنگام می‌باشد که در آن ضمن ارائه اطلاعات تاریخی زمان‌های دور و دراز، آن بحث را به زمان معاصر ارتباط می‌دهد. بدین ترتیب، با ایجاد حلقه اتصال بین گذشته و حال به مقایسه دوره‌های تاریخی می‌پردازد و علاوه بر نتیجه‌گیری مفیدی که از آن استخراج می‌کند، کمک بزرگی نیز به خواننده می‌نماید تا در جمع‌بندی نهایی موفق‌تر باشد و دیدگاهی منطقی و جامع پیدا کند. این روش که در کارنامه اسلام استعمال گشته یکی از شگردهای علمی بزرگان علم و ادب می‌باشد که دکتر زرین کوب نیز با این عمل خود را در آن جرگه قرار داده و گامی فراتر برداشته است.

۱۸) توجه به منابع مادی: این امر که یکی از مسایل مهم تاریخ‌نگاری معاصر می‌باشد در تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب نیز مطرح بوده است. در این امر که استفاده و یا توجه به «مهر، سکه، لوح و نظایر آن» مدنظر می‌باشد مورخ تلاش می‌کند تا اخبار و وقایع تاریخی را با این منابع مادی هرچه بیشتر غنی بخشد و دکتر زرین کوب نیز که در تاریخ مردم ایران (ج ۱) این اصل را به نحوی مفید به کار گرفته، با این کار خود خدمتی شایان به تاریخ و تاریخ‌نگاری نموده است.

۱۹) اعتقاد به نظریه همدلی دیلتای: ویلهلم دیلتای (۱۸۳۳ - ۱۹۱۱ م.) که «نظریه همدلی» را در فلسفه تاریخ مطرح و جایگاه رفیعی یافته به میزان قابل توجهی در تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب تأثیر داشت مثلاً آن مرحوم در تاریخ در ترازو معتقد است که تماشای یک گورستان مایه الهام مورخ می‌باشد، یعنی اینکه با تماشای موردی خاص به تجزیه و تحلیل آن پرداخته به عمق قضایای پی می‌برد و در تحلیل پدیده‌های تاریخی، خود را با واقعه یا حادثه خاص تاریخی، همدل می‌نماید و به نتیجه‌ای معقول می‌رسد و

بدینگونه است که می‌توان ادعا کرد دکتر زرین کوب به نظریه دیلتای پر و بال داده است.

نتیجه: در بخش یابانی این نوشتار، به حرف خود که دکتر زرین کوب را «مورخی صاحب سبک» دانسته‌ام کاملاً پای می‌فشارم و در ادامه این سخن اضافه می‌کنم که دکتر زرین کوب مورخی کلی نگر است. با مراجعه به آثارش تاریخ مردم ایران (ج ۱ و ۲)، تاریخ ایران بعد از اسلام، دو قرن سکوت، بامداد اسلام، تاریخ در ترازو، کارنامه اسلام، روزگاران ایران می‌توان به این حقیقت پی برد، تألیف تواریخ سلسله‌ای و دیگر قالب‌های تاریخی هیچگاه مطمح نظر دکتر نبوده است، او که با چنین دیدگاهی به تاریخ‌نگاری روی آورده و از محاسنی همچون نقد عاقلانه اطلاعات یا داده‌های تاریخی احاطه بر ادبیات تاریخی، درک مفاهیم سیاسی حکومتی و اجتماعی و تسلط بر زبان‌های زنده جهان برخوردار است، می‌توان گفت با این امتیازات معایب جزئی این شخص والا مقام خیلی کم‌رنگ و یا حتی بیرنگ شده است. همانطوری که قبلاً گفتیم تنها ایرادی که بر سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب وارد است از جانب مکتب پوزیتویسم، در مورد عدم استناد اخبار تاریخی (در برخی موارد) می‌باشد. لیکن در یک جمع‌بندی نهایی باید گفت که سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب هرچند در دوران حیات بانی خود خوش درخشید ولی آینده درخشانی برای آن پیش‌بینی می‌شود چون آن سبک، شیوه‌ای است احیاءگر ادوار گذشته تاریخی با روش و متدی فعلی، که می‌تواند جلوه دیگری از رنسانسی بودن شخصیت علمی و آثار دکتر زرین کوب باشد.

بدینگونه می‌توانیم ادعا کنیم که آن زنده‌یاد، در تاریخ‌نگاری ایران یک «تابنه» بوده است ولی از طرفی شاید قضاوت ما به نظر برخی افراد «ظریف» یک طرفه و یا گرافیک‌گویی تعبیر شده مرده‌پرستی معنا گردد اما خود این امر، سؤالی را پیش می‌کشد: حق دکتر زرین کوب که سالیان سال خدمات شایانی به تاریخ و تاریخ‌نگاری این مرز و بوم نموده، به راستی چیست و چه می‌تواند باشد؟ جواب این سؤال، احتیاج به ذهن پویایی ندارد چون «آفتاب آمد دلیل آفتاب» پس ضمن ارج نهادن به خدمات آن مرحوم، همورا باید در عرصه تاریخ‌نگاری ایران شخص جاوید اثر دانست، زیرا، هرچند به پایان آمد دفتر دکتر زرین کوب ولی حکایت او همچنان باقی خواهد ماند از برای اینکه ایشان حق زیادی برگردن تاریخ و تاریخ‌نگاری ایران داشته و دارد که امینواریم حق این همه خدمت و عقل پاشی و فیض رانی و جانفشانی توسط پژوهشگران و دانشمندان والا مقام ادا گردد تا جایگاه علمی دکتر زرین کوب در تاریخ ماندگار گشته و تاریخی ماندگار داشته باشد.

